



University of Tehran Press

Jurisdiction in tort claims for cross-border defamation in the laws of Iran, England and the European Union

Sayyed Hussein Safaei Moafi¹ | Reza Maghsoudi Pashaki²

Reza Daryae³

1. Corresponding Author; Department of Private Law, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, university of Guilan, Rasht, Iran. Email: hsafaei@phd.guilan.ac.ir
2. Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, university of Guilan, Rasht, Iran. Email: rmaghsoody@guilan.ac.ir
3. Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, university of Guilan, Rasht, iran. Email: reza.daryaie@guilan.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Received: 2023/05/25</p> <p>Received in revised form: 2023/09/13</p> <p>Accepted: 2023/09/17</p> <p>Published online: 2023/12/22</p> <hr/> <p>Keywords: <i>defamation, domicile, jurisdiction, forum non conveniens.</i></p>	<p>Today, with the advancement of communication, defamation claims have crossed the national borders, it is possible for several foreign elements to be involved in a claim. In this situation, several courts may apply jurisdiction based on their relationship with those elements. This issue is problematic where there is a little connection between those elements and the jurisdiction. Therefore, legal systems must provide jurisdictional rules that prevent such a challenge. In this research, it will be investigated what jurisdictional criteria are used by the legal systems of Iran, England and the European Union in these claims. Can these rules meet the legitimate expectations of private individuals and at the same time have the necessary flexibility in view of the evolution of technology? In the English legal system, the legislators have adopted special rules for defamation which provides that, the courts can hear the lawsuit if England is the most appropriate place to file that claim. therefore, the English courts should examine the connection of the lawsuit with other jurisdictions. In the European Union, in addition to the general rule of the defendant's place of residence, the place of damage where the defamation was published also has jurisdiction. In EU law, the center of the victim's interests will be competent in internet defamation. However, there are no specific rules for defamation in Iranian law, and the general jurisdiction rules will be applicable in the case of defamation. This Iranian approach is ineffective for defamation and will cause difficulties for litigants.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Safaei Moafi, Sayyed Hussein; Maghsoudi Pashaki, Reza; Daryae, (2023). Jurisdiction in tort claims for cross-border defamation in the laws of Iran, England and the European Union. <i>Comparative Law Review</i>, 14 (2), 859-882. DOI: https://doi.com/10.22059/JCL.2023.356095.634475</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/JCL.2023.356095.634475</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press. </p>



University of Tehran Press

مطالعات حقوق تطبیقی

شاپا الکترونیکی: ۳۴۰۴-۳۴۲۳

دوره: ۱۴، شماره: ۲

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

قواعد صلاحیت در دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از هتک حیثیت فرامرزی در حقوق ایران، انگلستان و اتحادیه اروپا

سیدحسین صفایی معافی^۱ | رضا مقصودی پاشاکی^۲ | رضا دریائی^۳

۱. نویسنده مسئول؛ گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: hsafaei@phd.guilan.ac.ir

۲. گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: rmaghsoody@guilan.ac.ir

۳. گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. رایانامه: reza.daryaei@guilan.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۰۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: /اقامتگاه، /دادگاه نامناسب، /صلاحیت قضایی، هتک حیثیت.</p>	<p>امروزه با پیشرفت ارتباطات، دعاوی هتک حیثیت از مرزهای ملی فراتر رفته است، به طوری که امکان دارد در یک دعوا چندین عنصر خارجی دخیل باشند. در این وضعیت، دادگاه‌های متعددی می‌توانند با استناد به ارتباط عناصر دعوا با حوزه قضایی خود، اعمال صلاحیت کنند. این مسئله در جایی مشکل‌ساز است که ارتباط ناچیزی میان عناصر دعوی و کشور محل دادگاه وجود دارد. بنابراین، نظام‌های حقوقی باید قواعد صلاحیتی را ارائه دهند که مانع بروز چنین چالشی گردد. در این پژوهش بررسی خواهد شد که نظام‌های حقوقی ایران، انگلستان و اتحادیه اروپا از چه ضوابط صلاحیتی در چنین دعاوی استفاده می‌کنند؟ آیا این قواعد می‌تواند انتظارات مشروع اشخاص خصوصی را برآورده سازد و درعین حال با توجه به تحول فناوری، انعطاف لازم را داشته باشد؟ قانون‌گذار انگلیسی با توجه به اینکه در دعاوی هتک حیثیت در زمان واحد ممکن است چندین کشور با دعوا ارتباط داشته باشند، قاعده ویژه‌ای را وضع کرده است که به موجب آن، دادگاه‌های انگلستان در صورتی صلاحیت رسیدگی دارند که مناسب‌ترین دادگاه برای طرح آن دعوا باشند. به این ترتیب، لازم است دادگاه‌های انگلیسی ارتباط دعوا با سایر حوزه‌های قضایی را بررسی نمایند. در اتحادیه اروپا، علاوه بر دادگاه محل استقرار زیان‌زننده، محل وقوع خسارت را هم صالح تلقی نموده‌اند. ضمن آنکه دادگاه مرکز منافع زیان‌دیده در هتک حیثیت اینترنتی واجد صلاحیت خواهد بود. لیکن در حقوق ایران قاعده اختصاصی در این زمینه وضع نشده است و همان قواعد کلی صلاحیت در مورد هتک حیثیت اعمال می‌شود. انحصار قواعد صلاحیت در حقوق ایران به قواعد کلی، برای دعاوی هتک حیثیت کارایی نداشته، اصحاب دعوا را با مشکل مواجه خواهد کرد.</p>
استناد	صفایی معافی، سیدحسین؛ مقصودی پاشاکی، رضا؛ دریائی، رضا (۱۴۰۲). قواعد صلاحیت در دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از هتک حیثیت فرامرزی در حقوق ایران، انگلستان و اتحادیه اروپا. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۴ (۲)، ۸۵۹-۸۸۲
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/JCL.2023.356095.634475
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

تعریف هتک حیثیت^۱ یا افترا این گونه بیان شده است: «انتشار یک گفته نادرست درباره یک شخص که به این وسیله قصد دارد تا حیثیت آن شخص را در نظر اعضای منصف جامعه بکاهد یا باعث شود که آنان از وی بگریزند یا دوری کنند» (Martin, 2011: 159). قانون مدنی ایران به وضوح تعریفی از هتک حیثیت یا افترا ارائه نکرده است و برخی تعریف آن را مجموعه جرائم افترا و نشر اکاذیب در قانون مجازات دانسته اند (شرقی و عامری، ۱۳۹۸: ۶۳-۶۴). لیکن ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی ایران به صراحت به قابل جبران بودن هتک حیثیت اشاره نموده و امکان طرح چنین دعوایی را به زیان دیده داده است. مستفاد از ماده یادشده، هتک حیثیت را می توان چنین تعریف کرد: «تصدیق یا انتشار امری مخالف واقع که به حیثیت یا اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد». بنابراین، دعوای هتک حیثیت در صورتی که بر مبنای مسئولیت مدنی ناشی از آن اقامه شود و زیان دیده جبران خسارت خویش را بخواهد، در دسته الزامات خارج از قرارداد توصیف می گردد و قواعد آن بر همین مبنا تعیین خواهد شد.

با توجه به گستردگی روش های ارتکاب هتک حیثیت و عدم ضرورت نزدیکی فیزیکی بین زیان زننده و زیان دیده^۲، عناصر خارجی دخیل در دعاوی هتک حیثیت فرامرزی می تواند بسیار متعدد باشد. ضمن آنکه با شکوفایی فناوری های ارتباطی، مانند اینترنت، ارائه محتوای آسیب زننده به حیثیت دیگری می تواند در هر کجای جهان در دسترس قرار گیرد و تمام دادگاه هایی که آن محتوا در قلمرو آنان قابل دسترسی بوده است، خود را صالح تلقی کنند. در چنین وضعیتی، چالش «سوء استفاده از حق انتخاب دادگاه»^۳ بروز می یابد؛ چنان که در مورد دعاوی هتک حیثیت فراملی این مسئله جلوه بسیار پررنگی یافته است که از آن به «گردشگری افترا»^۴ یاد کرده اند. گردشگری افترا به نوعی سوء استفاده از حق انتخاب دادگاه در دعاوی هتک حیثیت فرامرزی اطلاق می گردد که در آن، خواهان کشوری را برای طرح شکایت برمی گزیند که احتمال می دهد مطلوب ترین نتیجه را به دست آورد (Nielsen, 2013: 269). برای مثال، مطابق قواعد حقوق انگلستان، مدعی هتک حیثیت می تواند حتی در حین دادرسی و پیش از صدور حکم نهایی، جلوی انتشار مطالبی را که افترا آمیز بودن آن ادعا شده است، بگیرد (صفائی معافی و رستمی، ۱۴۰۱: ۳۲۲)؛ در چنین شرایطی طبیعی است که مدعیان هتک حیثیت طرح دعوا در انگلستان را بپسندند.

1. Defamation

۲. این در حالی است که حتی اگر در بسیاری از انواع خسارات لزومی به چنین مجاورت فیزیکی وجود نداشته باشد، حقوق کشورها وجود آن را شرط دانسته اند. برای مثال، در حقوق انگلستان، زیان دیدگان ثانویه روانی لزوماً باید در صحنه حادثه حضور فیزیکی داشته باشند (صفائی معافی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۶۶-۲۶۷).

3. Forum shopping

4. Libel Tourism

برای اجتناب از این وضعیت نامطلوب، لازم است قواعد صلاحیت نظام‌های حقوقی حتی‌المقدور مانع اعمال صلاحیت‌های موازی شود؛ به‌خصوص درجایی که یک دادگاه ارتباط بسیار کمی با موضوع دعوا یا اصحاب آن دارد. به‌نظر می‌رسد، ارائه ضابطه مناسب صلاحیت نیازمند توجه دادگاه رسیدگی‌کننده به ارتباط دعوا با حوزه‌های قضایی یا کشورهای دیگر است.

با توجه به ملاحظات یادشده، شناسایی دادگاه صالح در این‌چنین دعاوی بسیار دشوار بوده، قاضی رسیدگی‌کننده به دعوا نیازمند به‌کارگیری قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی در زمینه صلاحیت قضایی است تا با تمسک به آن در خصوص صلاحیت خویش اظهار نظر کند. ضمن آنکه حل مسئله تعارض دادگاه‌ها مقدم بر تعارض قوانین بوده، صلاحیت دادگاه می‌تواند بر قانون قابل اجرا مؤثر واقع شود (الماسی، ۱۳۹۳: ۲۷-۲۹). لیکن ناکارآمدی قواعد تعیین صلاحیت علاوه بر آنکه خواندگان را در معرض شکایت در سراسر جهان قرار می‌دهد، می‌تواند به صلاحیت دادگاهی بینجامد که یا ارتباطی با دعوا ندارد و یا ارتباط آن بسیار ناچیز است. از این رو، سیاست‌گذاران نظام‌های حقوقی می‌توانند با ملاحظه رویکرد نظام‌های حقوقی مختلف در دعاوی هتک حیثیت فرامرزی، از تجربیات آنان در قانون‌گذاری داخلی بهره‌مند و ضمن برداشتن گامی مؤثر در جهت یکسان‌سازی قواعد صلاحیت، به تعامل گسترده‌تری برسند.

بنابراین، در این مقاله بررسی خواهد شد که نظام‌های حقوقی انگلستان، اتحادیه اروپا و ایران چه ضوابطی را برای تعیین دادگاه صالح در دعاوی هتک حیثیت فرامرزی به‌کار می‌گیرند؟ آیا قواعد به‌کاررفته کارایی عملی دارد و توانسته است عدالت را بین طرفین دعوا ایجاد کند؟ این پژوهش قصد دارد تا با مطالعه و تبیین قواعد صلاحیت حاضر در نظام‌های حقوقی یادشده و مقایسه آن‌ها، کاستی‌های موجود را شناسایی و نقد نموده، راهکاری برای قانون‌گذاران داخلی ارائه دهد.

به همین منظور، در مبحث نخست، چگونگی اعمال «قواعد عام صلاحیت» در خصوص دعاوی هتک حیثیت مطالعه و نقد خواهد شد. در مبحث دوم، «قواعد خاص صلاحیت» مقررشده در نظام‌های حقوقی مورد مطالعه که این قواعد به‌طور ویژه برای دعاوی هتک حیثیت به‌کار رفته‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مبحث سوم به تبیین و ارزیابی رویکرد نظام‌های حقوقی موضوع پژوهش نسبت به ایجاد «قاعده صلاحیت در هتک حیثیت اینترنتی» می‌پردازد.

۲. قواعد عام صلاحیت

در مبحث حاضر، قواعد عمومی صلاحیت که در نظام‌های حقوقی مورد مطالعه برای تمامی دعاوی خصوصی وضع شده است، بررسی می‌شود تا مشخص گردد که آیا اعمال قواعد عام صلاحیت در

خصوص دعاوی هتک حیثیت کارایی داشته و توجیه‌پذیر است؟ صلاحیت دادگاه «محل اقامت خوانده»^۱، محل «حضور خوانده»^۲ و «محل وقوع مال غیرمنقول»^۳، از قواعد عام صلاحیت است که هر کدام در بخشی جداگانه ملاحظه می‌شود. در نهایت، «دکترین دادگاه نامناسب» نیز به‌عنوان یکی از قواعد مهم در تعیین دادگاه صالح مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۱.۲. محل اقامت خوانده

صلاحیت دادگاه کشور محل اقامت خوانده^۴ اصولاً در نظام‌های حقوقی مورد مطالعه به‌عنوان قاعده کلی صلاحیت پذیرفته شده است. این قاعده به الزامات خارج از قرارداد، از جمله هتک حیثیت، اختصاص ندارد و در مورد سایر موضوعات مدنی نیز قابل اعمال است. در این بخش، ابتدا اعمال این قاعده در خصوص دعاوی هتک حیثیت در نظام‌های حقوقی مورد مطالعه بررسی می‌شود و سپس، اعمال قاعده یادشده ارزیابی می‌گردد.

۱.۱.۲. مطالعه تطبیقی

در حقوق ایران با توجه به اینکه قواعد خاصی برای صلاحیت بین‌المللی مقرر نشده است، قواعد صلاحیت داخلی در این مورد نیز به کار می‌رود (مافی و ادبی فیروزجایی، ۱۳۹۳: ۵۸). قواعد صلاحیت قابل استفاده در حقوق ایران، ابتدا جهت تقسیم دعاوی داخلی میان حوزه‌های قضایی درون کشور تنظیم شده و به این جهت، ارتباط دعا با سرزمین ایران و صلاحیت قضایی دادگاه‌های ایران مفروض بوده است (سلجوقی، ۱۴۰۰، ج ۲: ۴۹۱). مطابق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی: «دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد». به این ترتیب، اگر خوانده در ایران اقامتگاه داشته باشد، زبان دیده می‌تواند دعوا را در دادگاه‌های ایران مطرح کند، لیکن صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده تنها زمانی است که این محل در ایران باشد؛ در غیر این صورت، دعوا باید در محل سکونت موقت او در ایران اقامه گردد. بر همین مبنا، به نظر می‌رسد، قاعده صلاحیت محل اقامت خوانده در حقوق ایران، نه برای تعیین کشور صالح برای رسیدگی به دعوا، بلکه

1. Defendant's domicile

2. Defendant presents within the jurisdiction

3. *Forum rei sitae* (the forum where the thing is situated)

۴. قاعده یادشده برگرفته از اصل رومی *actor sequitur forum rei* است؛ یعنی «خواهان تابع دادگاه محل اقامت خوانده است». مطابق این اصل، خواهان باید دعوی خویش را در نزد دادگاهی مطرح کند که خوانده در آن اقامت دارد یا محل تجارت او در آنجا قرار دارد (Fellmeth and Horwitz, 2009: 12-13).

برای اعطای صلاحیت به دادگاه‌های درون ایران و چگونگی توزیع پرونده‌های قضایی در این کشور وضع شده باشد. با این حال، به دلیل فقدان قواعد خاص و جداگانه برای صلاحیت بین‌المللی مستفاد از ماده ۹۷۱ قانون مدنی، قاعده یادشده در دعاوی هتک حیثیت فرامرزی نیز قابل استفاده است.

در مقررات بروکسل ۱ اتحادیه اروپا به موجب قاعده کلی ماده ۴(۱)، «اشخاص مقیم در یکی از کشورهای عضو باید صرف‌نظر از تابعیت خود، در دادگاه همان کشور عضو مورد شکایت قرار گیرند». دادگاه محل اقامت خوانده با توجه به صلاحیت عام خود می‌تواند بر تمام دعوای، حتی خساراتی که در خارج از حوزه قضایی واقع شده باشد، رسیدگی کند (Asensio, 2020: 170)؛ اما اگر خوانده مقیم اتحادیه اروپا نباشد، قواعد داخلی کشورهای عضو، دادگاه صالح را تعیین خواهد کرد (ماده ۶). بنابراین، دادگاه محل اقامت خوانده یک قاعده عمومی صلاحیت است که بر دعاوی هتک حیثیت نیز قابل اعمال خواهد بود؛ چراکه براساس ماده ۱(۱)، مفاد این مقررات بر موضوعات مدنی و تجاری باید اعمال گردد که هتک حیثیت نیز در ضمن آن می‌گنجد.

۲.۱.۲. نقد و بررسی

آیا اعمال قاعده محل اقامت خوانده در مورد هتک حیثیت سودمند است؟ برای مثال، اگر روزنامه‌نگاری مقیم ایران بر ضد شخصی مقیم کانادا که در ایران هیچ‌گونه شهرتی ندارد، روزنامه‌ای را چاپ و توزیع کند، دادگاه ایرانی صالح به رسیدگی است. آیا این منطق قابل توجیه است؟ هرچند به‌طور معمول، خواهان در کشور محل اقامت خوانده شهرت ندارد و نمی‌توان زبانی را به حیثیت وی در آن کشور متصور شد، لیکن صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده قابل درک است؛ زیرا باید به دادگاه‌های محل اقامت خوانده حق داد تا به دعاوی بر ضد اشخاص مقیم قلمرو خود رسیدگی کنند؛ به‌خصوص اینکه اصل بر برائت بوده (شمس، ۱۳۹۴، ج ۱: ۳۸۲) و خوانده به‌ظاهر بی‌گناه را نباید برای دفاع از خود به دادگاه کشور دیگری برد و هزینه‌های دادرسی هنگفت خارجی را به وی تحمیل کرد.

اما این منطق به‌ظاهر متقاعدکننده، زمانی قابل توجیه است که ضابطه جایگزینی مانند ضابطه محل وقوع خسارت وجود داشته باشد؛ به‌طوری‌که در کنار دادگاه محل اقامت خوانده، دادگاه دیگری نیز صلاحیت رسیدگی به دعوا را داشته باشد. بر این اساس، در صورتی که خواهان در کشور دیگری که شهرت بسیاری در آنجا دارد متحمل زیان شود، چرا نباید دادگاه آن کشور را نسبت به خسارات واقع‌شده در حوزه قضایی خودش صالح دانست؛ درحالی‌که حیثیت خواهان در این محل، نسبت به هر جای دیگر بیشتر آسیب دیده است. به این ترتیب، اعمال انحصاری صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده، هرچند به نفع اوست، اما نسبت به خواهان ناعادلانه است؛ چنان‌که در دعاوی هتک حیثیت ممکن است حیثیت زیان‌دیده در کشوری آسیب ببیند که با محل اقامت خوانده فاصله داشته و ارتباطی وجود نداشته باشد.

۲.۲. محل حضور خواننده

برخی از نظام‌های حقوقی، قاعده صلاحیتی را طراحی کرده‌اند که مطابق آن، حضور یک شخص در حوزه قضایی آنان و امکان تسلیم احضاریه به او برای اعمال صلاحیت کافی است. در ادامه، وجود این قاعده در نظام‌های مورد مطالعه و امکان اعمال آن نسبت به هتک حیثیت بررسی خواهد شد.

۱.۲.۲. مطالعه تطبیقی

برخلاف حقوق ایران و اتحادیه اروپا، نظام حقوقی انگلستان^۱ قاعده صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده را نپذیرفته، اما قاعده کلی صلاحیت در حقوق عرفی^۲ این کشور مشابه قاعده محل اقامت خواننده است. مطابق قاعده کلی حقوق عرفی، در صورتی که احضاریه^۳ در زمان حضور خواننده در حوزه قضایی انگلستان به او ابلاغ شود، دادگاه این کشور صلاحیت رسیدگی به دعوا را خواهد داشت؛ زیرا هر کسی که در انگلستان «حضور»^۴ دارد، ممکن است از جانب هر شخصی به دادگاه انگلیسی احضار شود (Briggs, 112: 2013). در این مورد به نظر می‌رسد دادگاه‌های انگلیسی صلاحیت رسیدگی و صدور حکم نسبت به تمام خسارات وارده را داشته باشند؛ حتی اگر وقوع خسارت یا نشر افترا در کشور دیگری باشد.

۲.۲.۲. نقد و بررسی

اعمال صلاحیت مبتنی بر حضور خواننده در انگلستان و امکان ابلاغ احضاریه به وی، دو اشکال اساسی دارد. نخست آنکه در بسیاری از موارد منجر به حاکمیت دادگاهی (انگلیس) می‌شود که ارتباطی با خسارت موضوع دعوا ندارد و حضور خواننده در سرزمین انگلستان نمی‌تواند حاکمیت دادگاه‌های این کشور را توجیه نماید؛ چراکه با توجه به ماهیت هتک حیثیت و شیوه ارتکاب آن، برخلاف زبان‌های بدنی، محل حضور زبان‌زنده در ارتکاب خطا یا میزان خسارت بی‌تأثیر است. اشکال دوم آنکه صرف وجود این قاعده در حقوق انگلستان برای هتک حیثیت بی‌هوده به نظر می‌آید، زیرا با توجه به اینکه غالباً ارتباط دعوا با انگلستان بسیار ناچیز است، دادگاه‌های این کشور می‌توانند دکتترین «دادگاه نامناسب»^۵ را اعمال کنند (Hartley, 29: 2010). مطابق این دکتترین، دادگاه‌های انگلیسی اختیار دارند تا در صورتی که به‌وضوح دادگاه کشور دیگری مرجع مناسب‌تر و قابل دسترس برای رسیدگی به دعوا باشد، از ادامه دادرسی خودداری کنند

۱. با توجه به خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، قواعد وضع شده در مقررات بروکسل در مورد این کشور قابل اعمال نیست؛ بنابراین، در این پژوهش، مطالعه نظام حقوقی انگلستان بدون توجه به مقررات بروکسل انجام گرفته است.

2. Common law

3. writ

4. Presence

5. *forum non conveniens*

(Rogerson, 2013: 165). بر این اساس، به نظر می‌رسد، چون در موارد بسیاری ارتباط دعوا با محل حضور خوانده (انگلستان) کم است، دادگاه‌های این کشور باید مطابق با این دکترین، رسیدگی به دعاوی هتک حیثیت را متوقف کنند. در نتیجه، قاعده یادشده بی‌فایده و بدون استفاده خواهد ماند و جز آنکه هزینه‌هایی را صرف دادرسی کند، تالی دیگری برای نظام قضایی و طرفین دعوا نخواهد داشت.

۳.۲. محل وقوع مال غیرمنقول خوانده

محل وقوع مال غیرمنقول متعلق به خوانده یکی از قواعد اعمال صلاحیت است؛ به طوری که وجود مال غیرمنقول در حوزه قضایی یک کشور سبب اعطای صلاحیت به آن می‌شود. اما آیا اعمال این قاعده نسبت به دعاوی هتک حیثیت منطقی است؟

۱.۳.۲. مطالعه تطبیقی

در حقوق ایران، قاعده صلاحیت فرعی وجود دارد که عمومی بوده، مختص دعاوی هتک حیثیت نیست. ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، داشتن مال غیرمنقول در ایران از سوی خوانده را برای اعطای صلاحیت به دادگاه ایرانی کافی دانسته است؛ البته اگر اقامتگاه یا سکونت موقت در ایران نداشته باشد. مثلاً اگر شخص مقیم کانادا مدعی هتک حیثیت بر ضد ناشری فرانسوی شود که در ایران باغ میوه‌ای دارد، می‌تواند مطابق قواعد آیین دادرسی مدنی ایران، دادخواهی خویش را نزد محاکم ایرانی ببرد. چنین قاعده صلاحیتی، نه در حقوق انگلستان و نه در اتحادیه اروپا، در خصوص دعاوی هتک حیثیت اعمال نمی‌شود.

۲.۳.۲. نقد و بررسی

به عقیده برخی، داشتن مال غیرمنقول در ایران نشانه ارتباط و بستگی خوانده به ایران بوده، حکایت از آن دارد که پایگاه قسمتی از منافع او در این کشور است؛ ضمن آنکه می‌توان از طریق توقیف آن، حکمی را بر ضد خوانده اجرا کرد، اگرچه دعوا ارتباطی با آن مال غیرمنقول نداشته باشد (صفایی، ۱۳۹۳: ۲۱۲). با این حال، پذیرش این قاعده حداقل در دعاوی هتک حیثیت چندان منطقی نیست؛ اولاً وجود منافع زیان‌دیده در یک کشور می‌تواند صلاحیت دادگاه را تعیین کند، اما ارتباط و بستگی خوانده با یک کشور، چرا باید در صلاحیت دادگاه در دعاوی هتک حیثیت مؤثر باشد؟ پاسخ این است که چون در دعاوی هتک حیثیت، به شهرت یا حیثیت خواهان خدشه وارد می‌آید و منافع وی در معرض آسیب قرار می‌گیرد، پایگاه منافع خواهان مؤثر در تعیین صلاحیت است، زیرا ارتباط قوی را با دعوا نشان می‌دهد. ثانیاً با توجه به اصل برائت

خواننده، سهولت توقیف مال او در اعطای صلاحیت به یک دادگاه، آن هم هنگامی که هنوز محکوم نشده است، چندان موجه نمی‌نماید. افزون بر آن، اصولاً دعاوی هتک حیثیت مالی نبوده، در بسیاری از مواقع حکم به جبران غیرمالی آن داده می‌شود؛ در این صورت، استدلال دوم با خلل مواجه خواهد شد.

به علاوه، این قاعده به ضرر خواننده هم خواهد بود، چراکه امکان سوء استفاده از حق انتخاب دادگاه از سوی خواهان را افزایش می‌دهد. به فرض اگر چندین نظام حقوقی دیگر این قاعده را بپذیرند و خواننده در همه آن‌ها مال غیرمنقول داشته باشد، این امکان برای خواهان وجود دارد تا هر کدام از این دادگاه‌ها را که مساعد به حال خویش می‌بیند برای اقامه دعوا برگزیند. در نتیجه، قاعده اخیر هیچ‌گونه کارایی عملی ندارد.

۲.۴.۲. دکتربین دادگاه نامناسب

برخلاف قواعد صلاحیت پیشین، دکتربین دادگاه نامناسب، از قواعدی است که دادگاه با توسل به آن می‌تواند از خود سلب صلاحیت نماید. مطابق این دکتربین، دادگاه در جایی که کشور ثالثی را نسبت به خود مناسب‌تر برای رسیدگی به دعوا تشخیص دهد، به نفع آن کشور از رسیدگی خودداری می‌کند. به این طریق، مسیر طرح دعوا در حوزه قضایی دیگری غیر از دادگاه رسیدگی‌کننده فراهم می‌شود و این دکتربین به‌طور غیرمستقیم قاعده ایجاد صلاحیتی را نیز فراهم می‌آورد.

البته اعمال دکتربین دادگاه نامناسب در کشورهای مختلف متفاوت بوده، اما هدف از آن، یعنی اجتناب از اعمال صلاحیت، در جایی که رسیدگی به‌موجب مقررات ممکن باشد ولیکن به جهات دیگری مطلوب نباشد، در همه کشورهای یکسان است (مقصودی، ۱۳۹۱: ۵). آیا دکتربین دادگاه نامناسب در نظام‌های حقوقی مورد مطالعه پذیرفته شده است؟ آیا اعمال این دکتربین در دعاوی هتک حیثیت توانسته است وضعیت مناسبی را به همراه آورد؟

۲.۴.۲. مطالعه تطبیقی

به‌موجب قواعد صلاحیت حقوق انگلستان، در صورتی که خواننده در قلمرو این کشور به دادگاه احضار شود و دادگاه نسبت به او صلاحیت داشته باشد، می‌تواند نسبت به اعمال صلاحیت دادگاه انگلیسی ایراد کرده^۱ و از این طریق، دادرسی انگلیسی را به نفع دادگاه دیگری که به‌وضوح مناسب‌تر است، متوقف نماید (Collier, 1987: 33). به این ترتیب، در صورتی که دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوا با ملاحظه حقایق دعاوی هتک حیثیت، مانند انتشار گسترده مطالب موضوع دعوا در یک کشور خاص، دادگاه‌های آن کشور را مناسب‌تر بداند، می‌تواند با تمسک به دکتربین دادگاه نامناسب، دادرسی هتک حیثیت را متوقف کند.

1. Senior Courts Act 1982, section 49.

در اتحادیه اروپا، اعمال دکترین دادگاه نامناسب مطابق با مقررات بروکسل مسکوت گذاشته شده است (McEleavy and Cuniberti, 2005: 974). با این حال، دیوان دادگستری اروپا در رأی *Owusu v Jackson* (2005) دکترین دادگاه نامناسب را با چارچوب مقررات بروکسل منطبق ندانست (Rodger, 2006: 86-87) و بر این اساس، دکترین نامبرده در حقوق اتحادیه اروپا جایگاهی ندارد. مطابق قواعد تعیین صلاحیت ایران، اگر دادگاه صلاحیت نسبی داشته باشد، نمی‌تواند از دادرسی خودداری کند، زیرا مستتکف از احقاق حق شناخته خواهد شد (سلجوقی، ۱۴۰۰، ج ۲: ۴۹۱-۴۹۳). به این ترتیب، دادگاه ایرانی می‌بایست در صورت وجود صلاحیت به دعوا رسیدگی کند؛ حتی اگر ارتباطی با دولت یا جامعه ایرانی نداشته باشد (مقصودی، ۱۳۹۱: ۱۹). بنابراین، در حقوق ایران قواعدی که به دادگاه اختیار دهد تا با توجه به حقایق پرونده از خود سلب صلاحیت کند، مقرر نشده است.

۲.۴.۳. نقد و بررسی

اعمال صلاحیت دادگاهی که ارتباط کمی با دعوا دارد و همچنین اعمال صلاحیت هم‌زمان چندین دادگاه، از مهم‌ترین چالش‌های موجود در دعوی هتک حیثیت است، که به‌نظر می‌آید به‌کارگیری دکترین دادگاه نامناسب راه‌حل معقولی در مقابل چنین مسائلی باشد. به این ترتیب، استفاده گسترده از این دکترین از سوی دادگاه‌های کشورهای مختلف، می‌تواند واکنش متقاعدکننده‌ای نسبت به مسائل مطرح‌شده باشد، اما اعمال این دکترین با دو چالش بزرگ مواجه است:

اول آنکه مطابق رأی دعوی *Owusu v Jackson* (2005)، دکترین دادگاه نامناسب نمی‌تواند در جایی که دعوا مشمول قواعد مقررات بروکسل ۱ می‌شود، اعمال گردد؛ چراکه دادگاه آن را مغایر با اصل قطعیت حقوقی و قابلیت پیش‌بینی متعارف قواعد صلاحیت مدنظر مقررات بروکسل می‌دانست (Stone, 2010: 57). البته به‌نظر می‌رسد با خروج انگلستان از اتحادیه اروپا و لازم‌الاجرا نبودن این مقررات برای انگلستان (Briggs, 2021: 17)، محدودیت یادشده حداقل برای دادگاه‌های انگلیسی لغو شده باشد، اما برای سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا همچنان این محدودیت وجود دارد.

چالش دیگر اینکه خواهان دعوی هتک حیثیت فرامرزی می‌تواند ادعای خویش را به جبران خسارات واردآمده به حیثیت خود، تنها در قلمرو مرزی دادگاه رسیدگی‌کننده محدود کند و جبران خسارات واقع‌شده در خارج از انگلستان را از دادگاه‌های این کشور طلب نکند (Nielsen, 2013: 273-274) و به این طریق، دکترین دادگاه نامناسب را دور بزند. در این صورت، هیچ دادگاه دیگری نمی‌تواند در مقایسه با دادگاه انگلیسی مناسب‌تر تشخیص داده شود. چگونه می‌توان دادگاه کشور دیگری غیر از انگلستان را مناسب‌تر به رسیدگی نسبت به خسارت واردآمده در انگلستان دانست؟!

نمونه عملی این چالش را می‌توان در پرونده *King v Lewis (2005)* مشاهده کرد. دون کینگ^۱ (خواهان) یک برنامه‌ریز مسابقات مشت‌زنی^۲ بود که در سرتاسر جهان او را می‌شناختند. لنوکس لوئیس^۳ (خوانده) نیز مشت‌زنی بریتانیایی مقیم نیویورک بود. پیش‌تر بین اصحاب دعوا، دعوی دیگری در نیویورک در جریان بود که وکیل خوانده مطلبی را در وبسایتی ارسال کرد که بیان می‌نمود، دون کینگ اظهارات و اقدامات ضد یهودی داشته است. مصاحبه دیگری نیز از این وکیل با مطالب مشابه در وبسایتی دیگر منتشر شد. هردوی این وبسایت‌ها در ایالت کالیفرنیا امریکا مستقر بودند، اما به هر صورت، این وبسایت‌ها از تمام دنیا، از جمله انگلستان، قابلیت دسترسی داشتند. خواهان بر مبنای همین مطالب افتراپی وکیل خوانده، دعوی را در انگلستان آغاز کرد. لیکن خوانده با توجه به ارتباط بسیار کم انگلستان با دعوا و به‌طور کامل امریکایی بودن عناصر دخیل در دعوا، نسبت به اعمال صلاحیت دادگاه انگلیسی اعتراض نمود. اما خواهان شکایت خودش را به خسارات واردآمده به حیثیتش از نشر مطالبی افتراپی در انگلستان محدود کرد و همین امر کافی بود تا دادگاه انگلیسی بر دعوا اعمال صلاحیت کند.^۴

بروز این وضعیت، ناشی از پذیرش قاعده‌ای در حقوق انگلستان است که مطابق این قاعده، هر زمان که گفتار افتراپی به شخص دیگری غیر از فرد مورد افترا انتقال یابد، یک انتشار جداگانه و در واقع یک خطای افترای مجزا ارتکاب یافته است. بر این مبنای، هر بار فروش کتاب یا تماشای برنامه تلویزیونی، یک خطای افترای قائم به ذات و مبنایی برای طرح دعوا است (Hartley, 2009: 278). در چنین مواردی، دادگاه‌های انگلستان، دکتین دادگاه نامناسب را تنها باید بر مبنای انتشار (فعل خطایی) در انگلستان به کار برند و انتشار خارج از انگلستان را در ارزیابی و تشخیص دادگاه مناسب منظور نمی‌دارند (Nielsen, 2013: 273). در نتیجه این رویکرد، انگلستان مناسب‌ترین دادگاه برای حکم به جبران خسارات وارده از انتشار محتوای افتراپی در این کشور خواهد بود و دادگاه انگلیسی هیچ‌گاه رسیدگی به دعوا را متوقف نخواهد کرد. با وجود این مسیر هموار، مدعیانی که می‌خواهند به هر قیمتی شکایت خویش را در انگلستان مطرح کنند، می‌توانند دعوی هتک حیثیت را تنها به جبران خسارات واقع شده در انگلستان محدود نمایند. این کاربرد محدودشده سرزمینی دکتین دادگاه نامناسب، برخلاف کاربرد گسترده آن، تأثیر بسیار اندکی بر دشواری‌های یادشده دارد.

1. Don King

2. Boxing promoter

3. Lennox Lewis

4. <https://www.casemine.com/judgement/uk/5a8ff72160d03e7f57ea8295> , last visited: 2/10/2023.

۳. قواعد خاص صلاحیت

«محل ارتکاب خطا یا وقوع خسارت» و «مناسب‌ترین دادگاه» از قواعد خاصی است که برخی از نظام‌های حقوقی برای صلاحیت دادگاه‌ها در دعاوی هتک حیثیت مقرر داشته‌اند. در ادامه، دو قاعده یادشده در بخش‌های جداگانه، مطالعه و ارزیابی می‌شوند.

۱.۳.۱. محل ارتکاب خطا یا وقوع خسارت

قاعده صلاحیت دادگاه محل ارتکاب خطا یا وقوع خسارت، یکی از قواعد صلاحیت در دعاوی الزامات خارج از قرارداد است. در ادامه، شیوه اعمال این قاعده در نظام‌های حقوقی موضوع پژوهش نسبت به دعاوی هتک حیثیت بررسی و نقد خواهد شد.

۱.۱.۳. مطالعه تطبیقی

در حقوق اتحادیه اروپا، به‌موجب صدر ماده ۷ مقررات بروکسل ۱: «شخصی که در یکی از کشورهای عضو مقیم است، می‌تواند در کشور عضو دیگری [غیر از محل اقامت خوانده] مورد شکایت قرار گیرد». مطابق بند ۲ ماده یادشده، «در موضوعات مرتبط با خطای مدنی، جرم یا شبه‌جرم، [دعوا می‌تواند] در دادگاه محلی که حادثه زیان‌بار واقع شده یا ممکن است واقع شود [اقامه گردد]». در دعوی *Bier v Mines de Potassée d'Alsace (1976)* دیوان دادگستری اروپا محل «وقوع حادثه زیان‌بار» را هم به محل وقوع خسارت و هم محلی که حادثه موجد خسارت در آن واقع شده است، تفسیر نمود (Stone, 101: 2010). همچنین، در خصوص دعاوی هتک حیثیت، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در دعوی *Shevill v Presse Alliance SA (1995)* معتقد بود که خواهان می‌تواند مطابق ماده اخیر، دادرسی خود را یا در کشور عضوی که مطالب افتراآمیز در آن توزیع شده و مخاطبان آن را مشاهده کرده‌اند اقامه کند و یا در کشور عضوی که ناشر (خواننده) در آن «مستقر»^۱ است.^۲

بر اساس عنوان B۶، قاعده ۳(۱) (۹) بخش ۶ از قسمت ۴ قواعد دادرسی مدنی و راهنمای عملی انگلستان^۳، اگر خواننده در خارج از حوزه قضایی انگلستان حضور داشته باشد و احضاریه در این حوزه قضایی به او ابلاغ نگردد، دعوا در زمینه خطای مدنی باید در جایی اقامه شود که خسارت در آن حوزه قضایی تحمل شده است یا آن خسارت ناشی از عملی باشد که در داخل حوزه قضایی ارتکاب یافته یا

1. established

2. <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/HTML/?uri=CELEX:61993CJ0068&from=EN>, last visited: 2/10/2023.

3. Civil Procedure Rules and Practice Direction

همچنین در برخی از موافقت‌نامه‌های دولت ایران، این قاعده پیش‌بینی شده است. برای نمونه، ماده ۳۴ قانون موافقت‌نامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده‌های مدنی و جزایی مقرر نموده است که در دعوی جبران خسارت، «دادگاه طرف متعهدی که در خاک آن عمل یا شرایطی که موجب دعوی جبران خسارات واقع شود صالح می‌باشد. طرف زیان‌دیده می‌تواند همچنین به دادگاه واقع در خاک طرفی که مدعی‌علیه در آنجا اقامت دارد، شکایت کند». به این ترتیب، قانون یادشده علاوه بر دادگاه محل اقامت خوانده که همان قاعده کلی بوده، دادگاه «محل ارتکاب خطا» را نیز صالح به رسیدگی در دعوی جبران خسارت دانسته است.

۲.۱.۳. نقد و بررسی

چنان‌که بیان شد، قاعده صلاحیت محل ارتکاب خطا یا وقوع خسارت، ویژه دعوی الزامات خارج از قرارداد است و مطابق قواعد سایر الزامات خارج از قرارداد تکامل یافته است. بنابراین، مسئله اصلی که کاربرد این قاعده در خصوص دعوی هتک حیثیت فرامرزی با آن مواجه است، حدود صلاحیت دادگاه‌ها در رسیدگی و صدور حکم نسبت به خسارات واقع شده در خارج از حوزه قضایی آنان است؛ چراکه در چنین موقعیت‌هایی حیثیت زیان‌دیده در حوزه‌های قضایی متعددی آسیب می‌بیند. در این صورت، آیا رسیدگی دادگاه‌ها نسبت به خساراتی که خارج از حوزه قضایی آنان واقع شده، منطقی است؟

به موجب رأی *Shevill v Presse Alliance SA (1995)* با توجه به اینکه محل استقرار خوانده با محل اقامت او یکسان است، دادگاه اخیر می‌تواند نسبت به خسارات به‌وجود آمده در خارج از حوزه قضایی خود نیز رسیدگی کند (Bariatti, 2011: 331)؛ اما درجایی که مبنای صلاحیت دادگاه بر توزیع مطالب افتراقی است، دعوا باید محدود به خسارات ناشی از توزیع نسخه‌های مورد شکایت در قلمرو همان دادگاه بشود و دادگاه تنها صلاحیت رسیدگی به همین خسارات را خواهد داشت (Hörnle, 2021: 285). به این ترتیب، در صورتی که خواهان دعوا را در محل نشر اقامه کند، صلاحیت دادگاه تنها محدود به خسارات واقع شده در حوزه قضایی خودش خواهد بود.

تعیین حدود برای صلاحیت رسیدگی بر مبنای توزیع انجام گرفته، توجیه‌پذیر است؛ زیرا اگر دادگاه‌هایی که مطالب افتراقی در قلمرو آنان توزیع شده صلاحیت رسیدگی نسبت به تمام خسارات وارده را داشته باشند، در دعوی هتک حیثیت که ممکن است در آن در زمان بسیار محدودی، مطالب افتراقی در کشورهای بسیاری پخش گردد، دادگاه‌هایی صلاحیت رسیدگی به دعوا را خواهند یافت که توزیع

۱. مقررۀ مشابهی نیز در سایر موافقت‌نامه‌ها وجود دارد؛ مانند ماده ۲۲ قانون معاهده معاضدت قضایی در موضوعات مدنی و تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین مصوب ۱۳۹۵/۰۷/۲۷.

انجام گرفته در حوزه آن‌ها نسبت به کل انتشار بسیار کم باشد؛ در این صورت، صلاحیت دادگاه‌های اخیر بر انتشارهایی که در دیگر کشورها انجام گرفته است، غیرمنطقی می‌نماید.

با این حال، این منطق، خواهان را مجبور می‌کند یا دعوی متعددی را در کشورهای مختلفی اقامه کند که حیثیت او در آنجا از بین رفته و یا در محلی طرح شکایت نماید که خواننده در آنجا مستقر است. در هردو حال، خواننده موضع بهتری نسبت به خواهان دارد. در حالت اول، هرچند خواننده ناچار است با صرف هزینه‌های هنگفت جهت دفاع از خود به کشورهای مختلفی برود، اما خواهان نیز از اقامه دادرسی در کشورهای متعدد متحمل هزینه‌های بسیاری می‌شود. در حالت دوم هم، خواهان ناگزیر است تا دعوا را در دادگاهی طرح کند که خواننده آن را تعیین کرده است. چه‌بسا، روزنامه‌نگاران با ارزیابی حقوق کشورهای مختلف در زمینه هتک حیثیت، محل استقرار خود را انتخاب کنند و به این طریق قواعد ماهوی آن کشور را بر دعوا تحمیل نمایند.

علاوه بر این، تفکیک دعوا بر اساس خسارت وارده به حیثیت زیان‌دیده، به‌خصوص در مواردی که مطالب منتشرشده در حوزه قضایی دادگاه رسیدگی‌کننده بسیار کم باشد، باعث ایجاد صلاحیت‌های متعدد و مضاعف می‌شود که خود می‌تواند عامل بسیار مؤثر در گسترش سوء استفاده از حق انتخاب دادگاه تلقی گردد. ضمن آنکه ممکن است دادگاهی صلاحیت رسیدگی به دعوا را بیابد که با خطای ارتکاب‌یافته ارتباط بسیار ناچیزی دارد.

۲.۳. مناسب‌ترین دادگاه

ماهیت دعوی هتک حیثیت و شیوه ارتکاب آن، وجود یک قاعده صلاحیت منعطف را ضروری می‌نماید که دادگاه بتواند به وسیله آن با توجه به حقایق و موقعیت هر دعوا نسبت به تعیین دادگاه صالح تصمیم‌گیری کند. اما آیا اعمال چنین قاعده‌ای راهکار مطلوبی خواهد بود؟ در بخش نخست، وجود چنین قاعده‌ای در نظام‌های حقوقی موضوع پژوهش ملاحظه می‌گردد و در بخش دوم، اعمال این قاعده بررسی خواهد شد.

۱.۲.۳. مطالعه تطبیقی

قاعده صلاحیت «مناسب‌ترین دادگاه»^۱، قاعده‌ای است که از دستاوردهای قانون‌گذار انگلیسی در قانون هتک حیثیت ۲۰۱۳ بوده که بنابه تصریح قانون‌گذار تلاشی در جهت جلوگیری از گردشگری افترا در

1. most appropriate forum
2. Defamation Act 2013

دعای هتک حیثیت است.^۱ براساس بند ۲ ماده ۹ قانون یادشده: «دادگاه صلاحیت استماع و رسیدگی به دعوایی را که این ماده درباره آن اعمال می‌شود، ندارد مگر آنکه دادگاه قانع شود، از تمام مکان‌هایی که اظهار [افتزایی] مورد شکایت در آن نشر یافته، انگلستان و ولز به‌وضوح مناسب‌ترین مکان برای اقامه دعوا در مورد آن اظهار [افتزایی] است.»

به‌نظر می‌رسد، این مقرر به‌نوعی منعکس‌کننده دکنترین دادگاه نامناسب باشد که قانون‌گذاران انگلیسی سعی در گسترش دامنه اعمال آن نموده‌اند؛ چراکه بر اساس این مقرر، دادگاه انگلیسی تنها در صورتی می‌تواند نسبت به دعوای افتزای فرامرزی اعمال صلاحیت کند که در بین تمام مکان‌هایی که در آن اظهار افتزای مورد شکایت منتشر شده است، انگلستان به‌وضوح «مناسب‌ترین» مکانی باشد که در آن دعوایی در خصوص آن اظهار افتزایی اقامه شود. به این ترتیب، دادگاه‌های انگلستان باید انتشار و پخش افترا در خارج از انگلستان را نیز مد نظر قرار دهند. برای مثال، در صورتی که یک اظهار افتزایی ۱۰۰ هزار مرتبه در استرالیا منتشر شود و تنها ۵ هزار مرتبه در انگلستان، این نسبت (یک بیستم) می‌تواند مبنای خوبی باشد تا نتیجه بگیریم که مناسب‌ترین حوزه قضایی که دعوا باید در آن اقامه شود، استرالیا است، نه انگلستان.^۲

قاعده صلاحیت «مناسب‌ترین دادگاه»، در حقوق اتحادیه اروپا و ایران مقرر نشده و از قواعد ویژه حقوق انگلستان است. با وجود این، مطابق حقوق ایران، اگر دادگاه رسیدگی‌کننده فاقد صلاحیت نسبی باشد و خوانده نیز نسبت به آن ایراد نکند، دادگاهی که مطابق قواعد کلی صلاحیت نسبی ندارد، می‌تواند به دادرسی رسیدگی نماید یا آن را به دادگاه صالح بفرستد (شمس، ۱۳۹۴، ج ۱: ۴۰۵-۴۰۸). به این ترتیب، در صورتی که دادگاه خود را مناسب‌ترین محل برای اقامه دعوا نسبت به دادگاه‌های دیگری بداند، می‌تواند به بررسی دعوا بپردازد. لیکن مطابق ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، اگر دادگاه تجدیدنظر دادگاه بدوی را فاقد صلاحیت تشخیص دهد، رأی بدوی را نقض خواهد نمود و پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌کند. در نتیجه به‌نظر می‌رسد، پذیرش قاعده یادشده در حقوق ایران بسیار جزئی باشد.

۲.۲.۲. نقد و بررسی

با ملاحظه جوانب ظاهری قاعده یادشده، به‌نظر می‌آید قاعده مناسب‌ترین دادگاه پیامدهای مطلوبی برای دعوای هتک حیثیت به همراه داشته و می‌تواند الگوی مناسبی برای دیگر نظام‌های حقوقی باشد؛ زیرا چنان‌که از عنوان آن پیداست، با ملاحظه سایر حوزه‌های قضایی بالقوه، مناسب‌ترین دادگاه به دعوا

۱. لازم به ذکر است، با توجه به بند «a» از بند ۱ ماده ۹ قانون هتک حیثیت ۲۰۱۳ انگلستان (Defamation Act 2013)، قاعده خاص «مناسب‌ترین دادگاه» در خصوص اشخاص مقیم انگلستان اعمال نمی‌شود. بنابراین، قواعد کلی حقوق عرفی این کشور در چنین مواردی اعمال خواهد شد.

2. Defamation act, Explanatory notes, section 9, 66.

رسیدگی خواهد کرد؛ به طوری که قاعده یادشده در قانون هتک حیثیت ۲۰۲۲ ایرلند شمالی^۱ و نیز قانون هتک حیثیت و انتشار با سوء نیت ۲۰۲۱ اسکاتلند^۲ نیز بدون تغییر قابل توجهی تکرار شده است.

با وجود این، نحوه تعیین مناسبترین دادگاه جهت رسیدگی به دعوا به طور واضح از سوی قانون گذار انگلیسی تشریح و تبیین نشده است؛ به این جهت، اختیار دادگاه‌های انگلیسی در تعیین دادگاه مناسب بسیار گسترده خواهد بود و بنابه صلاحدید خودشان و بدون هیچ‌گونه ضابطه معینی می‌توانند نسبت به برخی از پرونده‌ها اعمال صلاحیت کنند و نسبت به بعضی دیگر خود را صالح تلقی نکنند. این امر قطعیت حقوقی^۳ را نمی‌تواند فراهم آورد و همچنین خواننده را در معرض شکایت در دادگاه محلی قرار می‌دهد که امکان منطقی پیش‌بینی آن را ندارد. البته در دعاوی *Wright v Ver (2020)*، تلاشی برای تبیین مفهوم مناسبترین دادگاه انجام گرفته است^۴. مطابق این رأی، دادگاه باید در اعمال ماده ۹ عواملی را در نظر داشته باشد؛ از جمله تعداد دفعات نشر در هر حوزه قضایی؛ مقدار خسارت وارداً آمده به حیثیت خواهان در انگلستان نسبت به دیگر مکان‌ها؛ قابلیت دسترسی به عادلانه در سایر حوزه‌های قضایی؛ ضمانت اجرای قابل استفاده در سایر حوزه‌های قضایی؛ هزینه اقامه دعوا در آنجا و سایر عوامل تأثیرگذار در دسترسی به عدالت؛ و میزان دشواری برای اقامه گواه^۵.

لیکن این قاعده در جایی که انتشار افترا به شکل جهان‌شمول بوده و زیان دیده نیز شهرت جهانی دارد، بدون کاربرد است؛ چراکه در این موارد خاص، هیچ حوزه قضایی نمی‌تواند «مناسب‌ترین» تلقی شود (Hörnle, 2021: 390) و همه حوزه‌های قضایی به یک میزان با دعوا ارتباط دارند. البته به نظر می‌رسد، با اعمال ضوابط مختلف، مانند میزان دسترسی به محتوای منتشرشده در حوزه‌های قضایی مختلف، بتوان بر این نقد فائق آمد. نمونه این مورد را می‌توان در دعاوی *Depp II v News Group Newspapers Ltd. (2020)* مشاهده کرد. در این پرونده، خواهان بازیگر مشهور امریکایی بود که در سرتاسر جهان شهرت بسیاری داشت و خواننده نیز ناشری مستقر در انگلستان بود. در این دعوا با توجه به اینکه خواننده و وبسایت متعلق به او^۶ در انگلستان قرار داشت، طبیعی است که انگلستان مناسب‌ترین حوزه قضایی تلقی گردد^۷.

معضل دیگری هم در خصوص این قاعده وجود دارد. مطابق این مقرره، اگر دادگاه انگلیسی مکان دیگری را مناسب‌تر برای رسیدگی تلقی کند، دادرسی را رد خواهد کرد. به این ترتیب، اگر دادگاه خارجی

1. Defamation Act (Northern Ireland) 2022

2. Defamation and Malicious Publication (Scotland) Act 2021

3. Legal certainty

4. <https://www.casemine.com/judgement/uk/5ed4a3bf2c94e01262d17cc8>, last visited: 28/2/2023.

5. *Wright v Ver* [2020] EWCA Civ 672, at 61-65.

6. www.thesun.co.uk

7. <https://www.bailii.org/ew/cases/EWHC/QB/2020/2911.html>, last visited: 13/04/2023.

که به زعم دادگاه انگلیسی مناسب‌تر تشخیص داده شده است هم مطابق قواعد صلاحیت، خود را صالح نداند، خواهان باید دادرسی جدیدی را از نو در انگلستان آغاز کند (Briggs, 2021: 403). بنابراین، با اعمال ماده ۹ قانون هتک حیثیت، در مواردی که دادگاه خارجی صلاحیت خود را نپذیرد، خواهان دچار مشکل خواهد شد و هزینه‌های دادرسی او به هدر خواهد رفت؛ به خصوص اگر دادگاه انگلیسی مجدداً بر عدم صلاحیت خود تأکید ورزد.

۴. قاعده صلاحیت در هتک حیثیت اینترنتی

گسترش رسانه‌های ارتباطی اینترنتی، نیازمند به‌کارگیری قواعد نوین صلاحیت است که بتواند جوابگوی توسعه فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای به شکل مناسبی باشد. تفاوت بین رسانه‌های قدیمی و رسانه‌های نوین انکارناپذیر است. درحالی که ناشر می‌تواند نسخه‌های چاپی روزنامه یا کتاب خود را به کشورهای خاصی بفرستد و حدود مخاطبان خود را به‌سادگی معین کند، محتوای قرار داده شده در فضای مجازی از هر کجای جهان و از سوی تعداد بی‌شماری از مخاطبان قابل دسترسی است، بدون آنکه ناشر بتواند آن را محدود کند. البته اگر هم محدودیت‌هایی در فضای مجازی قرار داده شود، این محدودیت‌ها به‌سادگی از سوی مخاطبان قابل دور زدن است. به این ترتیب، چون دامنه توزیع محتوای منتشرشده به صورت برخط^۱ و جهانی است، نمی‌توان مکانی خاص را به‌عنوان محل وقوع خسارت در نظر گرفت و به این جهت، ارزیابی خسارت و تعیین میزان انتشار در یک کشور خاص در عمل غیرممکن خواهد بود. بنابراین، قواعد صلاحیت در خطاهای انجام‌گرفته در فضای مجازی، به‌خصوص برای دعوی هتک حیثیت، باید با ملاحظات پیرامون رسانه‌های نوین مطابقت داشته باشد. آیا در نظام‌های مورد مطالعه چنین ملاحظاتی مد نظر قرار گرفته است؟

۱.۴. مطالعه تطبیقی

در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، قانون‌گذاران قاعده ویژه‌ای را برای هتک حیثیت اینترنتی وضع نکرده‌اند، اما دیوان دادگستری اروپا در پرونده *eDate Advertising v X and O and R Martinez v MGN Ltd (2011)* قاعده جدیدی را نیز برای دعوی اینترنتی مقرر نمود که در کنار سایر قواعد صلاحیت قابل اعمال است.

در دعوی یادشده، خواننده که مقیم آلمان بود، از سوی دادگاه آلمان در سال ۱۹۹۳، به همراه برادرش

1. online

2. C-509/09 *eDate Advertising GmbH X and Martinez v MGN Limited* [2011] ECR I-10269, at paragraph 46.

به دلیل قتل یک بازیگر مشهور محکوم به حبس ابد شد، اما در سال ۲۰۰۸، به وی آزادی مشروط داده شد. eDate Advertising که یک شرکت مقیم اتریش بود، پرتالی^۱ را راهاندازی نمود که صفحه‌ای از آن را تحت عنوان Info-News، به ارائه اخبار قدیمی اختصاص داده بود. خواننده قصد داشت تا هنگام قراردادن خبر قتل بازیگر مشهور از سوی خواهان، مانع انتشار نام خودش در این صفحه از پرتال گردد. بر همین مبنا، با استناد به ماده ۵(۳) مقررات بروکسل ۱ (ماده ۷(۱) کنونی)، خواننده دعوایی را در محل اقامت خودش، آلمان، بر ضد خواهان اقامه کرد؛^۲ زیرا آلمان نیز از حوزه‌های قضایی بود که قابلیت دسترسی به پرتال را داشت و بنابراین، وی می‌توانست استدلال کند که در حوزه قضایی این کشور هم توزیع محتوای افترايي انجام گرفته است. اما دادگاه اعتقاد داشت که اینترنت سودمندی ضابطه محل وقوع خسارت را کاهش داده است. بر همین مبنا، دادگاه اروپایی ضمن آنکه ضوابط پیشین صلاحیت را ملغی نکرد (Gillies, 2012: 1015)، معیار جدیدی را تحت عنوان «مرکز منافع زیان‌دیده»^۳ برای هتک حیثیت اینترنتی ارائه نمود. به نظر دادگاه اروپایی، معیارهای پیشین باید به گونه‌ای تعدیل شوند که شخص زیان‌دیده بتواند دعوای خود را تنها در یک دادگاه و در خصوص تمام خسارات به‌وجودآمده اقامه کند و این خسارات به شکل مطلوبی می‌تواند در محلی که مرکز منافع زیان‌دیده تلقی می‌شود، ارزیابی گردد (Auda, 2016: 114). در تبیین این مفهوم، دادگاه اروپایی ابراز داشت که «به‌طور کلی، محلی که یک شخص مرکز منافع خویش را در آن دارد، با محل سکونت دائمی^۴ او برابری می‌کند. با وجود این، یک شخص می‌تواند مرکز منافع خویش را در کشور عضوی داشته باشد که در آن سکونت دائمی ندارد، به‌حدی که سایر عوامل، مانند پیگیری یک فعالیت حرفه‌ای، می‌تواند یک ارتباط نزدیک با آن کشور را ثابت کند» (Calster, 2016: 152).

هرچند قاعده یادشده اختصاص به حقوق اتحادیه اروپا دارد، لیکن در حقوق ایران نیز می‌توان قاعده مشابهی یافت. به‌موجب قسمت آخر ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، اگر خواننده، نه در ایران اقامتگاه داشته باشد و نه مال غیرمنقول و نه محل سکونت موقت، نظر به جنبه امری این قسمت از ماده، خواهان ایرانی «باید» دعوای خود را در ایران مطرح کند (شمس، ۱۳۹۴، ج ۱: ۳۸۷)؛ در توجیه این قاعده اذعان شده که چون دادخواهی حق مسلم هر فرد است، نمی‌توان به بهانه اینکه شخص در ایران اقامتگاه یا سکونت موقت یا مال غیرمنقول ندارد، به دادخواهی او رسیدگی نشود (شریعت‌باقری، ۱۳۹۶: ۱۶۸)؛ چه‌بسا زیان‌دیده ایرانی نتواند در خاک کشورهای خارجی حقوق خود را احقاق کند (صفایی، ۱۳۹۳: ۲۱۳).

1. portal

2. <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/HTML/?uri=CELEX:62009CJ0509&from=EN>, last visited: 22/09/2023.

3. Victim's centre of interests

4. Habitual residence

بنابراین، قصد قانون‌گذار حمایت از تمام اشخاص مقیم در خاک ایران است و نه فقط اتباع ایرانی (مقصودی، ۱۳۹۶: ۲۳۱). به نظر می‌رسد این قاعده به نوعی منعکس‌کننده قاعده مرکز منافع زیان‌دیده باشد؛ چراکه بر اساس ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی ایران، اقامتگاه هر شخص اصولاً جایی است که در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم او نیز آنجا باشد. اما اگر مرکز مهم امور شخص با محل سکونت وی متفاوت باشد، مرکز مهم امور او ملاک تعیین اقامتگاه قرار می‌گیرد. بر این مبنا می‌توان گفت، ضابطه صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان (زیان‌دیده) مشابه همان تعریفی است که از ضابطه «مرکز منافع زیان‌دیده» در دعوی eDate ارائه شده بود. با این حال، موارد کاربرد این قاعده در دو نظام حقوقی یادشده تمایز فاحشی دارد؛ چنان‌که در اتحادیه اروپا قاعده ویژه‌ای برای هتک حیثیت اینترنتی بوده و در ایران قاعده عمومی و فرعی صلاحیت است.

علاوه بر این، مفهوم سکونت دائمی با اقامتگاه دو تفاوت اصلی دارد: اول آنکه محل سکونت می‌تواند متعدد باشد، اما اقامتگاه اصولاً واحد است؛ دوم، رابطه اشخاص با محل سکونت خودشان صرفاً مادی است و به محض آنکه شخص از محل سکونت خود دور می‌شود، دیگر ساکن آن محل محسوب نخواهد شد؛ درحالی‌که رابطه اشخاص با اقامتگاه خود هم مادی و هم حقوقی است، به طوری که حتی اگر شخص در اقامتگاه خویش به مدت طولانی حاضر نباشد، اقامتگاه وی تغییر نخواهد کرد (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۵۱)؛ در نتیجه، مفهوم مرکز منافع اشخاص با اقامتگاه آنها شباهت بیشتری دارد.

۲.۴. نقد و بررسی

به نظر می‌رسد، معیار مرکز منافع زیان‌دیده در تعیین صلاحیت اینترنتی از قطعیت کافی برخوردار نباشد؛ زیرا ضمن آنکه دادگاه تعریف دقیقی از این مفهوم ارائه نداده، عوامل متعدد و مختلفی را دخیل در تعیین مرکز منافع زیان‌دیده دانسته است تا جایی که خود دادگاه نیز در مطابقت مفهوم مرکز منافع و محل سکونت دائمی مردد بود. غالباً زیان‌دیدگان در دعاوی هتک حیثیت، اشخاص مشهوری هستند که در اقصی نقاط جهان شهرتی به دست آورده‌اند و چنین افرادی ممکن است که فعالیت حرفه‌ای خود را در کشورهای متعددی داشته باشند. همین امر سبب می‌شود که خواننده نتواند قواعد حاکم بر صلاحیت را پیش‌بینی کند که در تعارض با اهداف مقررات بروکسل ۱ است.^۱

۱. البته برخلاف این عقیده، دادگاه اروپایی ضابطه ارائه‌شده خود را مطابق با هدف قابلیت پیش‌بینی قواعد حاکم بر صلاحیت می‌داند، زیرا «ضابطه مرکز منافع هم به خواهان اجازه می‌دهد تا به‌سادگی دادگاهی را که می‌تواند در آن اقامه دعوا کند شناسایی نماید و هم خواننده به‌طور منطقی [می‌تواند] پیش‌بینی کند که در کدام دادگاه ممکن است مورد شکایت قرار گیرد» (Asensio, 2020: 174).

۵. نتیجه

مطابق مطالعه تطبیقی انجام گرفته، معلوم شد که برخی از قواعد صلاحیت در سه نظام حقوقی ایران، انگلستان و اتحادیه اروپا مشترک است و بعضی دیگر از قواعد صلاحیت اختصاص به نظام حقوقی مشخصی دارد. ضابطه تعیین دادگاه صالح بر اساس محل اقامت خواننده در دو نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا به عنوان قاعده عام صلاحیت به کار می‌رود. در حقوق انگلستان نیز قاعده‌ای عام وجود دارد که به موجب آن، اگر خواننده در انگلستان حضور داشته باشد و بتوان در قلمرو حوزه قضایی انگلستان احضاریه را به او تسلیم کرد، دادگاه انگلیسی صلاحیت رسیدگی به دعوا را خواهد یافت. علاوه بر این، قاعده محل ارتکاب خطا یا وقوع خسارت، ضابطه تعیین صلاحیت است که در حقوق انگلستان و اتحادیه اروپا در دعاوی ناشی از الزامات خارج از قرارداد به کار می‌رود که در قانون آیین دادرسی مدنی ایران مقرر نشده است. با اعمال این قاعده، صلاحیت رسیدگی دادگاه، تنها محدود به خسارات واقع شده یا توزیع انجام گرفته افترا در حوزه قضایی همان دادگاه بوده و دادگاه نامبرده نمی‌تواند در خصوص خسارات واقع شده در سایر کشورها اظهار نظر نماید.

در میان نظام‌های مورد مطالعه، تنها حقوق انگلستان بوده که قاعده صلاحیتی ویژه‌ای برای دعاوی هتک حیثیت فرامرزی در قانون هتک حیثیت ۲۰۱۳، مقرر داشته است. به موجب این مقرر، دادگاه در صورتی صلاحیت رسیدگی به دعاوی هتک حیثیت را خواهد داشت که به وضوح مناسب‌ترین مکان برای طرح آن دعوا باشد. بر این اساس، دادگاه با ملاحظه انتشار افترا در سایر حوزه‌های قضایی و نسبت آن با انتشار در حوزه قضایی خود، در خصوص اعمال صلاحیت تصمیم خواهد گرفت. با توجه به آنکه قانون‌گذار انگلیسی ضابطه تعیین دادگاه مناسب را تبیین و تشریح نکرده و تعیین آن را به صلاح‌دید و نظر دادگاه رسیدگی‌کننده واگذار نموده است، قاعده یادشده اصل قطعیت حقوقی و قابلیت پیش‌بینی قواعد صلاحیت را دارا نیست. به این جهت، ضروری می‌نماید تا قانون‌گذاران انگلیسی با وضع ضابطه معین و روشنی، اختیار دادگاه‌های انگلیسی را در احراز یا عدم احراز صلاحیت محدود کنند.

همچنین، وجود چالش‌هایی پیرامون دعاوی هتک حیثیت اینترنتی، عدم کارایی قواعد سنتی تعیین صلاحیت و لزوم ایجاد قواعد صلاحیت سازگار و همگام با آن، سبب شده است تا اتحادیه اروپا علاوه بر سایر ضوابط صلاحیت، ضابطه صلاحیت دادگاه مرکز منافع زیان‌دیده را- یعنی جایی که مرکز مهم امور وی در آنجاست- در مورد هتک حیثیت اینترنتی ارائه دهد. این درحالی است که نظام حقوقی ایران و انگلستان در این خصوص قاعده‌ای را طراحی نکرده‌اند، که همین موضوع می‌تواند دادگاه‌ها را در تعیین حوزه قضایی صالح دچار مشکل کند، زیرا قواعد صلاحیت سنتی با ویژگی‌های رسانه‌های نوین اینترنتی منطبق نیست.

چالش‌های موجود در نظام حقوقی ایران در خصوص هتک حیثیت، بسیار پیچیده‌تر از سایر نظام‌های حقوقی مورد مطالعه است؛ چراکه قانون‌گذار ایرانی به‌جز قواعد کلی صلاحیت، ضرورتی برای ایجاد قواعد ویژه‌ای در خصوص الزامات خارج از قرارداد احساس نکرده است. در نتیجه، قواعد کنونی صلاحیت حقوق ایران کارایی لازم را برای دعاوی هتک حیثیت ندارد؛ زیرا در صورتی که شرایط عمومی صلاحیت وجود نداشته باشد، عدم اعطای صلاحیت به دادگاه محل وقوع خسارت سبب می‌شود تا دادگاه‌های ایرانی در رسیدگی به زیان‌های واقع شده در داخل حوزه قضایی خود دچار مشکل گردند. این امر در جایی بسیار مشکل‌ساز می‌شود که دادگاه ایرانی مطابق قواعد کلی، صلاحیت خود را احراز نکند و زیان دیده نیز موفق به اقامه دعوا در کشور خارجی نشود؛ به‌خصوص اگر خسارت وارده به حیثیت زیان‌دیده در ایران قابل توجه باشد.

با توجه به این چالش‌ها در حقوق ایران، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار ایرانی نسبت به وضع مقررات ویژه در خصوص صلاحیت دادگاه‌ها برای دعاوی هتک حیثیت اقدام کند، به‌گونه‌ای که ضمن ضابطه عام محل اقامت خوانده که به تمامی خسارات رسیدگی خواهد کرد، دادگاه محل وقوع خسارت، یعنی محلی که در آن افترا منتشر شده است، صالح تلقی گردد. البته دادگاه اخیر می‌بایست در خصوص خسارات واقع شده در قلمرو خود اظهار نظر کند.

منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیمی، سید نصرالله (۱۳۹۵). *حقوق بین‌الملل خصوصی: کلیات، تابعیت، اقامتگاه، وضعیت بیگانگان و پناهندگی، استرداد مجرمین و سرمایه‌گذاری خارجی در ایران*. چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
۲. الماسی، نجادعلی (۱۳۹۳). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. چاپ سیزدهم، تهران: نشر میزان.
۳. خالقی، علی (۱۳۹۵). *جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل*. چاپ پنجم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۴. سلجوقی، محمود (۱۴۰۰). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. جلد دوم، چاپ یازدهم، تهران: نشر میزان.
۵. شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۹۶). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۶. شمس، عبدالله (۱۳۹۴). *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*. جلد اول، چاپ سی و چهارم، تهران: انتشارات دراک.
۷. صفایی، سید حسین (۱۳۹۳). *مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی*. چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
۸. شرقی، مرضیه و عامری، پرویز (۱۳۹۸). *مسئولیت مدنی ناشی از افترا در نظام حقوقی کامن‌لا با رویکرد تطبیقی در حقوق ایران*. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۳(۲)، ۵۷-۸۱.
۹. صفایی معافی، سید حسین؛ ایمانپور، اکبر؛ و دریایی، رضا (۱۴۰۱). *ضوابط مطالبه خسارت زیان‌دیدگان ثانویه*

- روانی در حقوق انگلستان و کاربرد آن در حقوق ایران. مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۳(۱)، ۲۷۸-۲۵۷.
۱۰. صفایی معافی، سید حسین و رستمی، عباداله (۱۴۰۱). نقش دستور قضایی در جبران خسارات با مطالعه حقوق انگلستان و ایران. فصلنامه تعالی حقوق، ۸(۴)، ۳۴۱-۳۱۳.
۱۱. مافی، همایون و ادبی فیروزجایی، رشید (۱۳۹۳). صلاحیت دادگاه‌های ایران در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی. فصلنامه علمی- پژوهشی دانش حقوق مدنی، ۳(۲)، ۴۸-۶۳.
۱۲. مقصودی، رضا (۱۳۹۶). صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی. مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۴(۵۶)، ۲۱۳-۲۳۴.
۱۳. مقصودی، رضا (۱۳۹۱). دکترین دادگاه نامناسب در حقوق بین‌الملل خصوصی. دوفصلنامه حقوق تطبیقی، ۳(۲۳)، ۳-۲۴.

ب) انگلیسی

1. "Depp II v News Group Newspapers Ltd; Anor [2020] EWHC 2911 (QB) (02 November 2020)", n.d, at: <https://www.bailii.org/ew/cases/EWHC/QB/2020/2911.html>, last visited at: 13/04/2023.
 2. "eDate Advertising GmbH v X and Olivier Martinez and Robert Martinez v MGN Limited", n.d, at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/HTML/?uri=CELEX:62009CJ0509&from=EN>, last visited at: 22/09/2023.
 3. "Fiona Shevill, Ixora Trading Inc., Chequepoint SARL and Chequepoint International Ltd v Presse Alliance SA", n.d, at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/HTML/?uri=CELEX:61993CJ0068&from=EN>, last visited at: 2/10/2023.
 4. "King v Lewis & Ors [2004] EWHC 168 (QB) England and Wales High Court (Queen's Bench Division)", n.d, at: <https://www.casemine.com/judgement/uk/5a8ff72160d03e7f57ea8295>, last visited at: 2/10/2023.
 5. "Wright v Ver [2020] EWCA Civ 672 England and Wales Court of Appeal (Civil Division)", n.d, at: <https://www.casemine.com/judgement/uk/5ed4a3bf2c94e01262d17cc8>, last visited at: 28/2/2023.
1. Asensio, Pedro De Miguel (2020). *Conflict of Laws and the Internet*, Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.
 2. Auda, Ali (2016). "A proposed solution to the problem of libel tourism", *Journal of Private International Law*, 12(1), 106-131.
 3. Bariatti, Stefania (2011). *Cases and Materials on EU Private International Law*, Portland: Hart Publishing.
 4. Briggs, Adrian (2013). *The conflict of Laws*, Third Edition, Oxford: Oxford University Press.
 5. Briggs, Adrian (2021). *Civil Jurisdiction and Judgments*, Seventh edition, Oxon: Routledge.

6. Calster, Geert van (2016). *European Private International Law*, Second Edition, Portland: Hart Publishing.
7. Collier, J. G. (1987). "Staying of Actions and Forum Non Conveniens. English Law Goes Scotch", *The Cambridge Law Journal*, 46(1), 33-35.
8. Fellmeth, Aaron Xavier & Horwitz, Maurice (2009). *Guide to latin in international law*, First Edition, New York: Oxford University Press.
9. Gillies, Lorna (2012). "Jurisdiction for cross-border breach of personality and defamation: EDate Advertising and Martinez", *International and Comparative Law Quarterly*, 61(4), 1007-1016.
10. Hartley, Trevor (2009). *International Commercial Litigation (Text, Cases and Materials on Private International Law)*, Cambridge: Cambridge University Press.
11. Hartley, Trevor C (2010). "Libel Tourism and Conflict of Laws", *International and Comparative Law Quarterly*, 59(1), 25-38.
12. Hörnle, Julia (2021). *Internet Jurisdiction (Law and Practice)*, Oxford: Oxford University Press.
13. Martin, Elizabeth (2011). *Oxford Dictionary of Law*, Oxford: Oxford University Press.
14. McElevy, Peter; Cuniberti, Gilles (2005). "I. Forum non conveniens and the Brussels Convention", *International and Comparative Law Quarterly*, 54(4), 973 – 981.
15. Nielsen, Peter Arnt (2013). "Libel Tourism: English and EU Private International Law", *Journal of Private International Law*, 9(2), 269 - 288.
16. Rodger, Barry J. (2006). "Forum Non Conveniens Post-Owusu", *Journal of Private International Law*, 2(1), 71-97.
17. Rogerson, Pippa (2013). *Collier's Conflict of Laws*, Fourth Edition, New York: Cambridge University Press.
18. Stone, Peter (2010). *EU Private International Law*, Second Edition, Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.